

مؤلفه های تأثیرگذار در اجرای حدود

عابدین مؤمنی* / سید محمود علوی** / حامد رستمی نجف آبادی***

چکیده

منظور از زمان و مکان، همان مقتضیات زمان و مکان، و امور، تحولات، اوضاع و احوالی است که در زمان و مکان قرار می گیرند. این معنا در روایات نیز مورد تأکید قرار گرفته است. زمان و مکان در اجرای حدود نقش تعیین کننده ای دارند، بنابراین در صورت تراحم مصلحت اجرای حد با مصلحت مهم تر، ممکن است حد موقتاً تعطیل یا به کیفیت دیگری اجرا شود.

بررسی روایات به عنوان یکی از منابع استنباط احکام در این بحث بسیار حائز اهمیت است. به عنوان مثال، می توان به تأخیر در اجرای حد برای مجرم باردار یا بیمار، پناه بردن مجرم به حرم، گرم و سرد بودن هوا، مستحاضه بودن زن و عدم اجرای حد در مواردی از قبیل سرزمین دشمن، حد در مورد اهل کتاب، اضطرار، عفو مجرم در زمان جنگ، عفو زنان بی شوهر، حد در سال قحطی و تغییر کیفیت اجرای حد در فرد بیمار که مصلحت، مقتضی تعجیل حد بر اوست، اشاره نمود. در این نوشتار به نقش زمان و مکان و بحث مصلحت در اشخاص مجازات های حدی با توجه به روایات و نظر فقها در تأخیر، توقف و تغییر کیفیت اجرای حد پرداخته می شود و در آخر این نتیجه گرفته می شود که لازم است مصلحت سنجی در مورد

* دانشیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تهران

** دانشیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه اطلاعات

*** دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی (نویسنده مسئول) h.rostami1365@gmail.com

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۱/۱۵ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۹/۱۳

حدود و رعایت اقتضانات زمان، مکان و اشخاص مجازات با توجه به روایات و نظر فقها مدنظر قرار گیرد.

کلیدواژه: زمان، مکان، حال مجرمان، حدود، اجرای حدّ

۱- طرح مسأله

در لغت، زمان به معنای وقت و مکان، به معنای موضوع و محلّ است که بر حسب عرف، به مجموعه شرایط و تحولات زندگی یعنی حوادثی که در زمان و مکان اتفاق می افتد، اطلاق می شود؛ زمان و مکان بر حسب این معنی، شامل تمام وقایع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مانند آن می شود. این معنا در هر یک از علوم مختلف کاربرد ویژه ای دارد، البته در فقه به جهت تمدّن جدید بشری، نیازهای گوناگون انسان ها در زمان و مکان های مختلف و مجموعه تحولات حاکم بر زندگی بشر و بالاخره مقتضیات زمان و مکان را شامل می گردد.

در مورد نقش زمان و مکان در اقامه حدود نیز، بررسی روایات به عنوان یکی از منابع استنباط احکام اسلامی در این زمینه حائز اهمیت است؛ به خصوص احادیثی که بیانگر سیره جزائی رسول خدا و امام علی (ع) هستند از اهمیت بیشتری برخوردارند، چرا که ایشان تشکیل حکومت دادند، لذا تبیین اقدامات حکومتی آن دو بزرگوار در زمینه اجرای حدود که ریشه در وحی دارد، می تواند الگو باشد.

همچنین از روایات استفاده می شود که پیامبر (ص) و امامان (ع) اهتمام ویژه ای به اقامه حدود داشته و تأخیر در اجرای آن را برای لحظه ای جایز نمی دانستند؛ با وجود این تأکیدات، در قضاوت های پیامبر اکرم و حضرت امیر، مواردی موجود می باشد که به دلایلی حدّ را اجرا ننموده اند، یا اقامه آن را موقتاً به تأخیر انداخته، و یا مجرم را مورد عفو قرار داده اند، که تأخیر در اجرای حدّ بر زن باردار و مجرم بیمار، اجرای حدّ در غیر حرم، عدم اجرای حدّ بر زن یهودی، عفو مجرمان در زمان جنگ، و عفو زنان بی شوهر نمونه هایی از این قبیل است.

بنابراین، از آنجا که مکلفان همواره در یک وضعیتی نیستند و شرایط زمان و مکان نیز پیوسته در حال تغییر است، از اینرو شیوه یکسان برای اجرای برخی از احکام شرعی امکان‌پذیر نمی‌باشد. در قوانین اسلام، بسیاری از تغییر حالات، پیش‌بینی شده و روش‌های گوناگونی برای شرایط مختلف قرار داده شده است. پیش‌بینی حالت بیماری و اضطراب یا بیان راه‌کارهای خاص در احکامی مانند تیمم (به جای وضو یا غسل)، پرداخت فدیة (به جای روزه برای افراد ناتوان) از جمله شیوه‌های انعطاف‌پذیر اجرای احکام اسلام است.

در مواردی، تشخیص تغییر روش اجرای حکم یا تصرف در اجرای احکام بر اساس شرایط مقتضی، بر عهده فقیه یا حاکم شرع است. یکی از احکام بر تأکید اسلام، حدود است. مصالحی که ورای اجرای حدود وجود دارد، سبب شده است که شفاعت یا تأخیر در این حکم روا نباشد. با وجود این، ممکن است در شرایط خاص، زمینه اجرای آن از بین رفته، و حدّ به تعطیلی بکشد.

لذا اگرچه مشهور فقها و حقوقدانان اسلامی، زمان را در اجرای حدود دخیل ندانسته و محدودیتی برای آن قائل نیستند، اما مقتضیات زمان و مکان علاوه بر تأثیری که در مراحل تشریح و استنباط حکم شرعی می‌گذارد، در مرحله اعلام و اجرای آن احکام نیز مؤثر است؛ زیرا برای اجرا باید شرایط و اوضاع و احوال فردی و اجتماعی - و به عبارت دیگر، زمینه مناسب اجرایی - احراز شود تا عدالت کیفری اسلامی بتواند به اهداف خود نزدیک شود. گاهی اعلام یا اجرای یک حکم در دو زمان یا دو مکان مختلف، آثار و عواقب متفاوتی خواهد داشت. مسلماً در صورت انتفای تأثیر حکم و در نتیجه تحقق نیافتن اهداف قانونگذاری در یک زمان و مکان خاص، به لحاظ منطقی توجیهی برای اجرای حکم یا تداوم اجرای آن باقی نخواهد ماند. شایان ذکر است که به عقیده اکثر فقها، این ویژگی‌ها و شرایط جانبی اعلام و اجرا، ربطی به موضوع مفروض در حکم ندارد. به اصطلاح اصولیان، این موارد از موجبات تقیید و تحدید - یعنی قیود موضوع - به شمار نمی‌آید، بلکه رابطه‌ای تنگاتنگ و همه‌جانبه با راهبرد

های اجرایی قانون دارد. به همین خاطر، باید میان این نوع تأثیر زمان و مکان و تأثیر بر موضوع و موضوع شناسی، تمایز قایل شد.

نامتناسب بودن شرایط و اوضاع و احوال بیرونی برای اعلام یا اجرای حکم شرعی، به گونه های مختلفی تصور می شود. گاهی تحولات اجتماعی و اقتضات فرهنگی و اقتصادی، سبب بی اثر شدن برخی از احکام می شود. مثلاً، حکم به مجازات حبس برای مجرمان به عادت یا مجرمان اخلاقی یا هیجانی، ممکن است در دوره های اثر بخشی خود را از دست دهد. در این صورت، برای حفظ نظم و امنیت و جلوگیری از فساد جامعه، باید به مجازات های جانشین زندان حکم داده شود؛ همچون جزای نقدی، تنبیهات اداری و ممنوعیت های اجتماعی.

در پاره ای مواقع هم ممکن است احکام اعلام شده شرعی، در اثر ضعف روحیه ایمانی مردم و تحلیل فرهنگ دینی جامعه، صلابت و قاطعیت اولیه خود را از دست بدهند و خصوصیت بازدارندگی آنها کم رنگ شود. برای مثال، ممکن است اعلام حکم تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق برای کسی که معاونت در جرم قتل عمدی کرده، یا مرتکب سرقت مقرون به آزار و اذیت شده است، به هیچ وجه متناسب با مقتضیات جامعه کنونی ما نباشد، بلکه لازم باشد مجازات شدید تری اعلام و اجرا شود. البته، گاهی نیز این جریان ممکن است به گونه دیگری ظهور کند؛ یعنی وضعیّت و ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی در اثر عوامل طبیعی یا در نتیجه افعال انسانی به گونه ای دگرگون شود که اجرای برخی از احکام و مقررات، به ظلم و نا عدالتی بینجامد؛ یا حتی خلاف حیثیّت و کرامت انسانی به حساب آید. برای مثال، در زمان حکومت خلفای سه گانه با وجودی که حکم قطع دست سارق اعلام شده بود و قید قحطی و خشکسالی نیز برای آن در نظر گرفته نشده بود، ولی در زمان حکومت خلیفه دوم و هنگامی که قحطی و خشکسالی در مدینه پدید آمد و در نتیجه آمار سرقت افزایش یافت، خلیفه با توجه به همین وضعیت بحرانی اقتصادی، اجرای حدّ سرقت را غیر ضروری دانست و احکام دیگری صادر کرد (سیدحسینی، «ولایت فقیه و پویایی در استنباط

احکام» (۱۴۸)، حتی برخی از فقهای شیعه نیز معتقدند که در سال قحطی - چه سارق مضطرب باشد و چه نباشد - مطلقاً حدّ سرقت اجرا نمی شود. (اللمعه الدمشقیه/۲۳۷).

همچنین، می توان در حال حاضر به این نتیجه رسید که - به طور مثال - مجازات شلاق به عنوان تعزیر برای جرایم مطبوعاتی یا سیاسی، با مقتضیات زمان سازگار نیست و نه تنها اجرای آن فاقد زمینه مناسب داخلی و بین المللی است، بلکه حتی اعلام آن - هر چند قابل تبدیل هم باشد - شایسته نیست. مثال دیگر، جرم «کفن دزدی» است که اگرچه در نصوص و اخبار بر آن تصریح شده و فقها در آثار خود به تفصیل از آن بحث کرده اند، اما امروزه چندان زمینه ای برای اعلام ندارد. در ادامه به بررسی دو فرضیه عدم تأثیر و تأثیر زمان، مکان و حال مجرمین در حدود پرداخته می شود.

۲- عدم تأثیر زمان و مکان در حدود

در بینش گروهی از فقها، اجرای حدود الهی یکی از ضروری ترین و حیاتی ترین مسائل اجتماعی و از وظایف مهم حکومت اسلامی است. بدون اجرای حدود، دوام و بقای جامعه اسلامی تضمین نخواهد شد و هر نوع تأخیر، تعدیل و تخفیف در آن به مثابه تعطیل قانون الهی و در حقیقت، یک نوع نافرمانی در مقابل احکام الهی و اسلامی است.

این دسته از فقها معتقدند که احکام اسلامی شامل احکام متغیر و احکام ثابت است و درباره احکام ثابت بیان می کنند: «فالصحيح أنّ الحكم الثانی ثابت لا يتغير، صارت الظروف ما صارت و تغیرت الاحوال ما تغیرت ... لا فرق فی ذلك بین المعاملات و العبادات فكلها مصنونه من التغير». (الاحکام الشرعیه ثابته لا تتغیر/۲۰): صحیح آن است که احکام دوم (احکام ثابت)، همواره ثابت و تغییر ناپذیر می باشند و در این خصوص، تفاوتی میان احکام عبادی و معاملی وجود ندارد و جملگی مصون از تغییر می باشند. بر اساس این تفکر گفته می شود که مجازات های حدی تحت هیچ شرایطی

تغییر نمی یابند و در هر زمان و هر مکان لازم الاجرا می باشند. بنابراین، مجازات های حدی باید به شیوه مطروح در متون روایی در هر زمان و هر مکانی اجرا گردد و در عصر حاضر نیز در پاسخ به این سؤال که «آیا تغییر در اجرای مجازات های منصوصه اسلامی در شرایطی که موجب وهن اسلام گردد جایز است؟» بیان می دارند: «تغییر جایز نیست و آن چه موجب وهن اسلام است ... تنازل از مواضع اسلامی است» (مجموعه آرای فقهی - قضایی/۱۴۲).

این گروه با توجه به برخی از اهداف و فلسفه مجازات ها، اجرای مجازات ها را در جامعه جهت پیشگیری از وقوع جرم و خاصیت ارعابی آن ضروری دانسته و معتقدند که حدود الهی باید بی کم و کاست و به نحو کامل در جامعه اجرا شود و مصلحت جامعه در اجرای حدود الهی است و شرایط زمانی و مکانی و عنصر مصلحت در آن بی تأثیر است، چون مصلحت هایی در تشریح این احکام الهی نهفته است که همواره ثابت بوده و قابل تغییر نیست.

مصلحت اسلام و نظام اسلامی در اجرای کیفر است؛ و اجرای کیفر، تأمین کننده و ضامن بقای دین می باشد که نمونه بارز آن را می توان در حکم صادره از سوی امام خمینی (ره) درباره سلمان رشدی یافت. ایشان علی رغم اصل عدم اجرای حد در سرزمین دشمن چنین بیان می دارند: «به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می - رساند مؤلف کتاب آیات شیطانی که آن کتاب علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است و همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن محکوم به اعدام می - باشند. از مسلمانان غیور می خواهم تا در هر لحظه آنان را یافتند سریعاً اعدام نمایند تا کسی جرأت نکند به مقدّسات مسلمین توهین نماید ...» (صحیفه نور/۲۱/۸۶).

از دیدگاه این گروه، به طور کلی آن چه به عنوان حد است، قابل تغییر نیست و آن چه موجب وهن اسلام و مسلمین است این که مسلمان ها در برابر کفار و قوانین لائیکی و غیر مبتنی بر رسالات انبیاء، خود باخته باشند و از مواضع اسلامی خود تنازل کنند. این قوانین هزار و چهارصد سال بر دنیای وسیع اسلام حاکم بوده و دیگران هم

اطلاع داشته اند و همیشه کفار و بیگانگان برداشت های سوء از احکام مختلف دینی داشته، و مسلمانان به آن کمترین توجهی نداشته اند. واضح است که در این دیدگاه، شرایط موجود هیچ تأثیری در مجازات های اسلامی نخواهد گذاشت.

۳- تأثیر زمان و مکان در حدود

در مقابل دیدگاه سابق، عدّه دیگری از فقها شرایط ایجاد شده را در احکام اسلامی مؤثر می دانند و در شرایط موجود که بدخواهان، با قدرت تبلیغاتی فراوان خود علیه اسلام شبهه افکنی می نمایند و با اشاره به مجازات های اسلامی، موجبات تضعیف و وهن دین اسلام را در اذهان مردم و جهانیان فراهم می کنند، اجرای این گونه از مجازات ها را تجویز نمی نمایند (مجموعه آرای فقهی - قضایی/۱۴۱).

این دسته از فقها قائلند که احکام اسلامی بر اساس مصالح و مفساد پایه ریزی شده اند و هدف از اجرای احکام را دستیابی به مصالح می دانند (ولایت فقیه/۱۷۰)؛ و در صورتی که اجرای یک حکم اسلامی سبب ایجاد مفسده شود، در واقع مصلحت خود را (ولو به طور موقت) از دست داده است. چنین مطلبی را از روایات نیز می توان استظهار نمود؛ به عنوان نمونه، تعلیل حضرت امیر(ع) در اجرای کیفر لواط پس از دستور آتش زدن لاطی، به این که علت انتخاب این نوع از کیفر را عدم ترس عرب از مرگ طبیعی می دانند به این مفهوم می باشد که اجرای مجازات قتل مجرم به شیوه معمولی اثر خود را از دست داده است و اجرای این گونه قتل، مصلحت نهفته در خود را در پی ندارد و لذا بیان می فرمایند: «فانّ العرب لاتری القتل شیئاً» (وسائل الشیعه/۱۸/۱۶۰).

امام خمینی (ره) نیز در پاسخ به پرسشی در خصوص مجازات سنگسار بیان می - دارند: (... اجرای سنگسار فعلاً صلاح نیست، ما دشمنان زیادی داریم علیه ما تبلیغات می کنند و با عمل خود نباید موجبات تبلیغات دشمن را فراهم کنیم ... اصلاً در دادگاه اقدامی انجام نگیرد تا جرائمی که حدود الهی در آنها معین شده است، ثابت گردد (نامه مفید/۱۴۰)؛ فقیه دیگری در این مورد بیان می دارد: «اجرای مجازات رجم در بعضی از

شرایط و زمان ها ممکن نمی باشد و دارای مفاسد عظیمی می گردد» (انوارالفقاهه/۱/۳۷۴-۳۷۳) و لذا پیشنهاد می نماید که به جای رجم از سایر مجازات ها استفاده گردد و در نهایت چنین بیان می دارد: «و لعل الامر فی عصرنا الّذی کثر فیہ الدعايات المضاده للاسلام من هذا القبیل فإنّ اجراء حدّ الرجم کثیراً ما یوجب بعض ذلك تحت عنوان حقوق البشر و شبهه» (همان/۱/۳۷۴)؛ حتّی از فقیهی دیگر نقل گردیده است که اجرای چنین حکمی نه تنها به مصلحت نیست، بلکه در وضعیّت فعلی اجرای آن حرام است، زیرا اجرای هر حکمی که موجب وهن اسلام گردد حرام می باشد (نامه مفید/۷۲). بر اساس مباحث و شواهد ارائه شده می توان گفت در صورتی که اجرای کیفر به مصلحت نباشد حاکم اسلامی می تواند از اجرای آن جلوگیری نماید. این امر را می-توان به عنوان یک قاعده کلی دانست و در کلیه مجازات ها جاری نمود.

نکته قابل ذکر در این مبحث، توجّه به این موضوع است که در همه حالات نباید مصلحت اسلام را در عدم اجرای کیفر دانست؛ بلکه در مواردی، اجرای کیفر تأمین کننده و ضامن بقای دین می باشد که نمونه بارز آن را می توان در حکم صادره از سوی امام خمینی درباره سلمان رشدی یافت (صحیفه نور/۲۱/۸۶).

از آن چه تاکنون گفته شد به خوبی می توان به اهمیت نقش مصلحت و مقتضیات زمان و مکان در اجرا و یا عدم اجرای مجازات حدّی آگاه شد. در جوامعی که حاکمیت در دست گروه های غیر اسلامی باشد و امکان رفع شبهات اعتقادی برای پاسداران دیانت ممکن نباشد و یا عالمانی وجود نداشته باشند که جوابگوی ابهامات باشند طبیعی است در چنین شرایطی که نوعاً مردمان، اسلامشان تقلیدی و به دور از آگاهی است و دسترسی به جایی برای حلّ شبهات اعتقادی ندارند نمی توان حکم به مجازات حدّی کرد. بین این عدّه با کسانی که در جامعه اسلامی زندگی می کنند و امکان این را دارند که اعتقادات خویش را محکم سازند، تفاوت بسیار است؛ در ادامه، نقش زمان و مکان و بحث مصلحت در اشخاص مجازات های حدّی با توجه به روایات

و نظر فقها در تأخیر، توقف و تغییر کیفیت اجرای حدّ بررسی شده و در آخر به استخراج قاعده اصطیادی پرداخته می شود.

۱-۳- تأخیر در اجرای حدّ

در مواردی از جمله مریض بودن مرتکب، باردار بودن زن محکوم به حدّ، پناه بردن مرتکب به حرم، گرم و سرد بودن هوا و مستحاضه بودن زن، اجرای حدّ به تأخیر می افتد:

۱-۱-۳- مریض بودن مرتکب

بر مریض تا زمان خوب شدن، حدّی جاری نمی شود مگر این که مصلحت، تعجیل حدّ را اقتضا کند و اگر مصلحت در تأخیر مجازات باشد، لازم است مجازات را به تأخیر بیندازند، تا بیمار بهبودی پیدا کند، و آنگاه حدّ بر او اقامه شود (الروضه البهیة/ ۲/ ۵۰۵-۵۰۶). در روایتی آمده است مردی که در حال بیماری، محکوم به حدّ شده بود، امام علی (ع) فرمود: او را ببرید، تا وقتی سلامتی اش را به دست آورد، برای اجرای حدّ حاضر کنید (وسائل الشیعه/ ۳۱/ ۲۸-۲۹). در شرح لمعه و تبصره آمده است: «بر بیمار حدّ جاری نمی شود، تا سلامت خود را بازیابد، ولی هرگاه مصلحت اقتضاء کند که با عجله در مورد بیمار حدّ جاری گردد، با یک دسته از چوب های نازک مشتمل بر صد شاخه، یک بار بر او زده می شود» (الروضه البهیة/ ۲/ ۵۰۵؛ تبصره المتعلمین/ ۲/ ۵۷۴). شیخ طوسی در «خلاف» می گوید: این کیفر بیماری است که از بهبودی او نا امید شده اند (الخلاف/ ۳/ ۱۸۰).

این در حالی است که به نصّ روایات، تأخیر در اجرای حدّ جایز نیست و می توان استنباط کرد در صورتی که اجرای حدّ به قتل شخص منجر شود، اجرای آن به تأخیر می افتد، زیرا مفسده قتل بیشتر از مفسده تعطیلی حدود می باشد.

۲-۱-۳- باردار بودن زن محکوم به حدّ

اگر زن حامله محصنه ای زنا کند، حد رجم تا زمان وضع حمل و شیر دادن به تأخیر می افتد و اگر محصنه نباشد، در صورتی که حدّ جلد برای جنین خطری داشته

باشد، به تأخیر می افتد. امام علی (ع) درباره زنان باردار و دارای بچه خردسال، اجرای حکم حدّ را به تأخیر می انداخت (وسائل الشیعه/۱۰۸/۲۸-۱۰۳). به علاوه، چنان چه حیات کودک به نحوی از انحاء به حیات مادر بستگی داشته باشد، اجرای حکم تا برطرف شدن کامل مانع، به تعویق می افتد (المغنی/ ۱۷۲/۸-۱۷۱)؛ همچنین اگر بعد از قصاص معلوم شود که زن باردار بوده، در صورت سقط جنین، پرداخت دیه، به حسب مورد، واجب و به مقتضای اوضاع بر عهده حاکم یا مجری حکم خواهد بود. دیگر این که، اگر زن باردار برای اجرای حدّ یا بازپرسی نزد حاکم فرا خوانده شود و از روی ترس سقط جنین کند (فَأَجْهَضَتْ خَوْفًا) دیه جنین باید پرداخت شود (الفقه الاسلامی و ادلّته/۲۵۸/۶-۲۵۶)، در حدیثی دیگر امام علی (ع) فرمود: «کنیز رسول خدا مرتکب زنا شده بود، پیامبر به من دستور داد تا حدّ را بر او جاری کنم، ولی متوجّه شدم او تازه در عادت نفاس قرار گرفته است، ترسیدم اجرای حدّ موجب مرگ او شود، لذا تصمیم گرفتم حدّ را اجرا نکنم، وقتی تصمیم خود را به عرض رسول خدا رساندم، ایشان ضمن تأیید اصل تصمیم، فرمودند: احسنت، و در نتیجه حدّ به تأخیر افتاد» (المغنی/۳۲۹/۱۲).

۳-۱-۳- پناه بردن مرتکب به حرم

کسی که حدّی را مرتکب شود و به «حرم» - که محدوده خاصی از شهر فعلی مکه است - پناه برد، حدّ بر او اجرا نمی شود بلکه در خوردن و آشامیدن بر او سخت می گیرند تا خود بیرون آید و آنگاه حدّ بر وی جاری شود، ولی اگر فردی در حرم زنا کرده و همان جا تحصّن نماید شرعاً حدّ زدن وی در حرم جایز است. علت عدم اجرای حدّ در حرم مکه به لحاظ احترامی است که برای حرم قائل شده اند (وسائل الشیعه/۵۹/۲۸؛ الدرّ المنضود/۳۹۵/۱).

۳-۱-۴- گرم و سرد بودن هوا

در هوای گرم و سرد نباید حدّ اجرا شود و باید تا مناسب شدن دما به تأخیر افتد (وسائل الشیعه/۲۲/۲۸).

۳-۱-۵- مستحاضه بودن زن

بر زن مستحاضه تا زمان قطع شدن خون، حدّی جاری نمی‌گردد (همان/۲۸/۲۹)؛ البته از روایات مربوط به جاری نشدن حدّ بر مستحاضه نمی‌توان وجوب تعجیل در اجرای حدّ را استفاده کرد؛ زیرا مفادّ این روایات حرمت اجرای حدّ در زمان استحاضه است، اما بر وجوب فوری اجرای حدّ پس از رفع استحاضه، دلالتی ندارد. به دیگر سخن، روایات مزبور اشعار می‌دارد تا وقتی که زن مستحاضه از خون استحاضه پاک نشده، حدّ بر وی اجرا نمی‌شود، اما نمی‌گویند که به محض پاک شدن باید حدّ بر وی جاری شود؛ که شبیه این مطلب در روایات دیگر مربوط به تأخیر اجرای حدّ نیز مطرح می‌شود.

۲-۳- عدم اجرای حدّ

مواردی در روایات، اجرای حدّ متوقف شده است؛ مانند اجرای حدّ در سرزمین دشمن، اجرای حدّ بر اهل کتاب، اضطرار، عفو مجرمان در زمان جنگ، عفو زنان بی‌شوهر، حدّ در سال قحطی؛ که در ادامه به بررسی آن روایات می‌پردازیم:

۱-۲-۳- عدم جواز اجرای مجازات های حدّی در سرزمین دشمن

یکی از محدودیت‌ها در اجرای حدّ، اجرای آن در سرزمین دشمن است. در روایاتی که از امامان معصوم (ع) وارد شده، از اجرای حدود در سرزمین دشمن منع شده و علت آن را احتمال پناهنده شدن محکوم به سرزمین دشمن مطرح کرده‌اند. این روایات اطلاق داشته و شامل مجازات های حدّی نیز می‌شود.

در این مورد، سه روایت وجود دارد: معتبره ابی مریم، معتبره غیاث بن ابراهیم و مرسله دعائم الاسلام.

۱-۲-۳-۱- معتبره ابی مریم

امام باقر (ع) نقل می‌کند که حضرت امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: «لایقام علی أحد حدّ بأرض العدو: در سرزمین دشمن بر هیچ کس حدّی جاری نمی‌شود» (وسائل- الشیعه/۲۸/۱۶۰).

۲-۱-۲-۳- معتبره غیاث بن ابراهیم

در این روایت، امام صادق (ع) از پدرشان امام باقر (ع) و ایشان از امیر مؤمنان علی (ع) نقل می کنند: «لأقیم علی رجل حلاً بأرض العدو حتی یخرج منها، مخافه أن تحمله الحمیه فیلحق بالعدو؛ در سرزمین دشمن، بر هیچ فردی حدی را جاری نمی کنم تا این که از آنجا خارج شود، به علت ترس از این که حمیت و غیرت او را وادار سازد تا به دشمن ملحق شود» (همان/۲۸/۲۵-۲۴).

البته باید توجه داشت چون این روایت به سند دیگری هم نقل شده است، لذا بعضی آن را به «معتبره اسحاق بن عمار» می شناسند (ر.ک: اسس الحدود و التعزیرات/۱۳۶).

۳-۱-۲-۳- مرسله دعائم الاسلام

در کتاب دعائم الاسلام آمده است: «عن امیر المؤمنین (ع) أنه قال فی قوم امتنعوا بأرض العدو و سألوا أن یعطوا عهداً لا یطالبون بشیء مما علیهم؟ قال: لا ینبغی ذلك لأنّ الجهاد فی سبیل الله انما وضع لاقامه حدود الله و ردّ المظالم إلى أهلها ولكن إذا غزی الجند أرض العدو فأصابوا حلاً استونی بهم إلى أن یخرجوا من أرض العدو فقیام علیهم الحدّ لئلاّ تحملهم الحمیه علی أن یلحقوا بأرض العدو؛ حضرت علی (ع) درباره گروهی که در سرزمین دشمن باقی ماندند و درخواست کردند که امان نامه ای به ایشان داده شود که بر اساس آن به دلیل جرائمی که انجام داده بودند مورد مؤاخذه واقع نشوند، فرمود: این کار جایز نیست؛ زیرا جهاد در راه خدا به دلیل اقامه حدود الهی و بازگرداندن مظالم به اهلش مقرر شده است، ولی اگر سربازان در سرزمین دشمن بجنگند و مرتکب حدی شوند، باید منتظرشان ماند تا از سرزمین دشمن خارج شوند و حدّ بر ایشان جاری گردد تا حمیت و غیرت، ایشان را به پیوستن به سرزمین دشمن وادار نسازد» (مستدرک الوسائل/۱۴/۱۸).

دلیل قائلان به حرمت آن است که در این روایات، واژه «نفی» (لایقام - لاقیم) به کار رفته است که ظهور در حرمت اقامه حدود در سرزمین دشمن دارد. حتی می-توان گفت ظهور صیغه نفی در حرمت، بیش از ظهور صیغه نهی در حرمت است، چراکه نفی، جمله خبریه است و در اصول فقه گفته اند که ظهور جمله خبریه در

و جوب و حرمت، بیش از ظهور جمله انشائیه (امر و نهی) در آن است. شبیه همین مطلب درباره مرسله دعائم الاسلام هم جاری است که در آن جمله خبریه «استوئی» به کار رفته است.

اما قائلان به کراهت، چندان مدّعی خود را مستدلّ نساخته اند؛ برای مثال، شهید ثانی در مسالک، بی آن که دلیلی بر کراهت بیاورد می نویسد: «اقامه حدود در سرزمین دشمن مکروه است» (مسالک الافهام/۲/۳۴۲)؛ مقدس اردبیلی نیز می گوید: «ظاهراً مقصود از روایات، کراهت است؛ زیرا ادله بیان شده، افاده حرمت نمی کنند» (مجمع الفائده و البرهان/۱۳/۸۰).

البته روشن نیست که چرا روایات مورد بحث، افاده تحریم نمی کند. مرحوم صاحب ریاض، دلیل کراهت را ضعف سندی آنها یعنی صحیح نبودن روایات و تعلیل موجود در آنها می داند؛ یعنی ظاهر «لثلا تحمله الحمیه...» می رساند که مراد از «لایقام الحدّ بأرض العدو»، کراهت است (ریاض المسائل/۱۳/۴۷۱).

تعجب است که چگونه صاحب ریاض، ادعای عدم صحّت روایت را مطرح می کند با این که هم روایت ابی مریم و هم روایت غیث بن ابراهیم هر دو معتبره اند. همچنین معلوم نیست چگونه علّت موجود در روایت، اشعار به کراهت اقامه حدود در سرزمین دشمن را دارد. صاحب جواهر در کتاب جهاد، به وجوب اجرای حدّ در سرزمین دشمن قائل است. وی دلیل این باور را فقدان دلیلی می داند که بتواند با ادّله وجوب اقامه حدّ و عدم جواز تأخیر در حدود معارضه کند. او این مطلب را ضروری و بدیهی می شمارد. روشن است که با وجود روایات معتبر، سخن صاحب جواهر صحیح نیست و به همین جهت است که وی در کتاب حدود، اقامه حدّ در سرزمین دشمن را جایز نمی داند (جواهر الکلام/۴۱/۳۴۴). به هر حال، چنان که بیان شد در روایات مستند قاعده، واژه نفی به کار رفته که ظهور آن در حرمت، اگر بیش از صیغه نهی نباشد کمتر از آن نیست. بنابراین مفاد روایات مزبور، حرمت اقامه حدّ در سرزمین دشمن است. از

این بیان حضرت، نکات متعددی قابل استفاده است و با توجه به ملاک ارائه شده می-توان گفت:

اولاً: سرزمین دشمن موضوعیتی ندارد و با الغای خصوصیت از «أرض عدو» و توجه به تعلیل ذیل حدیث، ملاک عدم اجرای حد، خوف الحاق به دشمن می باشد (الفقه/۸۷/۲۰۵).

ثانیاً: نمی توان خوف الحاق را فقط به خوف الحاق مجرم به دشمن دانست و همچنین نباید مفهوم حد را مخصوص حد جلد تفسیر نمود، زیرا تعلیل و ملاک عدم اجرای حد به طور مطلق می باشد، بنابراین هرگونه مجازاتی که سبب چنین خوفی شود، قابل اجرا نخواهد بود؛ زیرا حفظ جان یک مسلمان مهم تر از اجرای یک حکم و کیفر می باشد. این تعلیل حضرت، مشعر بدان است که در اجرای حکم مصلحتی نهفته است و هر حکمی برای تأمین آن تشریح شده است و بر همین اساس، بیان می شود که «هر تکلیفی ارشاد به مصلحتی است که در متعلق آن تکلیف نهفته، و انسان را به آن مصلحت واقعی نائل می سازد، نه آن که صرفاً مصلحت در نفس تکلیف باشد، مانند تکالیف آزمایشی؛ لذا در شریعت، تعبد محض حاکم نیست» (ولایت فقیه/۱۷۰-۱۶۹)؛ بر این اساس، می توان با کشف ملاک احکام، دایره شمول آن را توسعه یا تضییق نمود و با توجه به همین ملاکات در وضعیت فعلی که قدرت تبلیغاتی دشمنان اسلام بسیار زیاد است و با عناوین به ظاهر بشردوستانه، اجرای کیفر های اسلامی را نوعی تجاوز به حقوق بشر تلقی و بر همین مبنا تبلیغات فراوانی علیه اسلام می نمایند و موجبات بدبینی افراد را از اسلام فراهم می سازند، همین موضوع مورد توجه فقها قرار گرفته و در خصوص تأثیر شرایط کنونی و نقش مصلحت در اجرای کیفر های اسلامی بیان می-دارند در حدودی که حق خداوند یا آدمیان باشد حاکم می تواند از اجرای حد امتناع کند. همچنین با استفاده از تنقیح مناط و الغای خصوصیت، می توان این مورد را تعمیم داده و ادعا نمود که در این زمان، گرچه دشمن حضور فیزیکی ندارد، ولی حضور فرهنگی و اجتماعی گسترده داشته و امکان پناه بردن به دشمن بسیار آسان است، پس

در چنین شرایطی نیز مصلحت اجرای حدّ مخدوش می گردد. بنابراین، در حال حاضر و در جهان کنونی، با توجه به امکان فیلم برداری و عکسبرداری از صحنه اجرای مجازات ها و پخش آن در بلاد و کشور های غیر اسلامی، بر اساس روایاتی که از اجرای حدود در انظار کفار نهی می کند، می توان اجرای علنی حدّ را از مصادیق وهن اسلام و اقامه حدّ در بلاد کفر و تحقیر مسلمانان دانست و اجرای آن به مصلحت نیست. خلاصه آن که حاکم اسلامی، مسوؤل برپا داشتن حکم خدا در جامعه است به گونه ای که پایداری و استواری و دوام آن را نیز تضمین نماید؛ پس به ناچار باید سیاست های مناسب را در اجرا فراهم کند.

بر اساس مباحث و شواهد ارائه شده می توان گفت در صورتی که اجرای کیفر به مصلحت نباشد حاکم اسلامی می تواند از اجرای آن جلوگیری نماید. این امر را می توان به عنوان یک قاعده کلی دانست و در کلیه مجازات ها جاری نمود.

۲-۲-۳- حدّ و اهل کتاب

در برخی روایات آمده است که هرگاه شهروندان اهل کتاب در قلمرو حکومت اسلامی مرتکب جرم شوند، باید حدود الهی درباره آنها اجرا شود، چنان که رسول خدا (ص) زن و مرد یهودی را رجم نمودند. هرگاه در خارج از سرزمین حکومت اسلامی مرتکب جرم شوند و به محکمه اسلامی مراجعه کنند، باز هم طبق احکام جزایی اسلام مجازات می شوند. با وجود این حکم کلی، در برخی موارد به جهت شرایط زمانی و مکانی خلاف آن اصل کلی عمل شده است، مثل این که در زمان حکومت علوی در مصر، مرد مسلمانی با زن یهودی و نصرانی زنا کرد. امام (ع) دستور دادند، مرد را حدّ بزنند، و زن را به متولیان امور دینی اش تحویل دهند تا هرگونه که مناسب باشد، درباره او تصمیم بگیرند (ولایت فقیه/۴۱۶-۴۱۵).

۳-۲-۳- اضطرار

در روایات آمده است، زنی به دلیل اضطرار و نجات از تشنگی شدید، مرتکب عمل زنا شد، خلیفه دوم می خواست حدّ زنا بر او جاری نماید، اما امام علی (ع) پس از

بررسی، با استناد به آیه شریفه «فمن اضطر غیر باغ و لاعادٍ» (بقره/۱۷۳) از اجرای حدّ ممانعت نمود. در این حال بود که خلیفه دوم گفت: «لولا علی لهلک عمر: اگر علی نبود، عمر هلاک شده بود» (وسائل الشیعه/۲۸/۳۸۴).

۴-۲-۳- عفو مجرمان در زمان جنگ

رسول خدا (ص) از اجرای حدود در میدان جنگ نهی نموده و می فرمود: ممکن است شخص مجرم از روی خشم، تحریک و یا به جهت حمیت، به مشرکان ملحق شود، در نتیجه از اجرای حدّ، آثار مبعوض تری نسبت به عدم اجرای آن به وجود آید؛ زیرا از دست دادن یک مسلمان و الحاق او به دشمن، مفسده بیشتری نسبت به تأخیر یا عدم اجرای حدّ، دارد (اعلام الموقین/۱۹/۳۰)؛ در جریان جنگ تبوک، سوء قصد کنندگان به جان خود را به دلیل اجتناب از شماتت های مردم مورد عفو قرار داد، در حالی که در مورد اجرای حدود می فرمود: «و لاتخافوا فی الله لومه لائم» (السنن- الکبری/۱۰۳/۹)، در فرض یاد شده، حکم حدّ تغییر نیافت، اما چون زمینه اش وجود نداشت، اجرای آن متوقف شد.

همچنین در غزوه بنی المصطلق، پیامبر اکرم (ص) از کشتن «عبدالله بن ابی» به دلیل ایجاد شکاف در میان صفوف رزمندگان خودداری نمودند و در پاسخ افرادی که تأکید بر اعدام عبدالله داشتند، فرمودند: اگر به قتل او دستور دهم، آنگاه خواهند گفت: محمد وقتی از جنگ فارغ شد، سربازان را می کشد (ر.ک: السیره/۱/۷۷۸)، به همین دلیل، در موردی دیگر ایشان فرمودند: «اگر به خاطر تبلیغات دیگران نبود که می گفتند محمد (ص) از مردم برای غلبه بر دشمن کمک می گیرد، ولی به مجرد این که بر دشمن پیروز شد، نیروهای خود را به قتل می رساند، بسیاری از اطرافیانم را گردن می- زدم» (وسائل الشیعه/۱۸/۵۵۱). اعدام این افراد، اگر از باب حدّ باشد، نتیجه این می شود که هرگاه مصلحت اقتضا نکند، حدّ اجرا نمی شود.

۴-۲-۵- عفو زنان بی شوهر

در سیره امام علی (ع) آمده است: «زنانی که مرتکب زنا می شدند و شوهر نداشتند، ایشان بدون آن که حدّ را در مورد این زنان جاری نماید، آنان را به اجبار شوهر می داد و می فرمود: امام مسلمین وظیفه دارد، زنان آزاد و رها را با شوهر دادن مقید کند، همان گونه که شتر آزاد با عقال، مهار و مقید می شود» (همان/۱۸/۴۱۲؛ تهذیب- الأحکام/۱۵۴/۱۰)؛ از این حدیث استفاده می شود، مجازات در صورتی مؤثر است که زمینه ارتکاب جرم نیز در کنار مجازات از بین برود. زیرا کسی که نیاز به مسایل جنسی دارد و توان مالی برای حلّ صحیح آن ندارد، مسلماً مجازات به تنهایی جنبه بازدارندگی نخواهد داشت.

۶-۲-۳- سال قحطی

روایات متعددی موجود می باشد که دلالت دارد سرقت در عام المجاعه (سال قحطی) موجب اجرای حدّ نیست (وسائل الشیعه/۱۸/۵۲۱-۵۲۰)؛ یعنی در شرایط خاصّ زمانی اجرای حدّ مصلحت ندارد. حتی برخی از فقهای شیعه نیز معتقدند که در سال قحطی - چه سارق مضطرب باشد و چه نباشد - مطلقاً حدّ سرقت اجرا نمی شود (اللمعه دمشقیه/۲۳۷).

۳-۳- تغییر کیفیت اجرای حدّ

همان گونه که گذشت، حدّ در مورد مریض اجرا نمی شود، اما اگر به هر دلیلی اجرای حدّ لازم و فوری بوده، و مصلحت، مقتضی تعجیل باشد در این صورت، حدّ به شکلی خاصّ اجرا می شود. در مورد افراد ضعیف نیز که تحمل اجرای حدّ را ندارند، این تخفیف در نظر گرفته شده است. به این ترتیب که یک شاخه خرما و یا یک دسته چوب که تعداد آنها به عدد حدّ باشد، یک دفعه بر بدن مجرم زده می شود که در اصطلاح به آن «شمراخ» گویند، و حدّی که به این شکل اجرا می شود، در اصطلاح به آن «ضغث» گویند (الروضه البهیة/۲/۵۰۵).

۲-۴- استخراج قاعده

با توجه به تأخیر در اجرای حدّ برای مجرم باردار یا بیمار، پناه بردن مجرم به گرم و سرد بودن هوا، مستحاضه بودن زن و عدم اجرای حدّ در مواردی از قبیل

سرزمین دشمن، حدّ در مورد اهل کتاب، اضطرار، عفو مجرمان در زمان جنگ، عفو زنان بی شوهر، حدّ در سال قحطی و تغییر کیفیت اجرای حدّ در فرد بیمار، یک قاعده اصطیادی صید می شود، و آن این که شرایط زمانی و مکانی و حال مجرمان در حدود تأثیر می گذارد، و با توجه به وضعیّت کنونی که نگاه حقوق بشری به اسلام و قوانین آن است، باعث بدبینی کفار نسبت به دین مبین اسلام خواهد شد.

از طرف دیگر، زمان و مکان در اجرای حدود نقش تعیین کننده ای دارند، بنابراین، در صورت تراحم مصلحت اجرای حدّ با مصلحت مهمّ تر نظیر حفظ نظام اسلامی، ممکن است حدّ موقتاً تعطیل و یا به کیفیت دیگری اجرا شود. یکی از فقهای متأخر در این مورد، پس از پاسخ شبهات پیرامون رجم، که قابل تعمیم به سایر حدود نیز می باشد، می گوید: «مخفی نماند آن چه پیرامون رجم گفته شده به لحاظ حکم اولی آن است؛ ولی اگر شرایطی پدیدار گشت و در پی آن اجرای حکم رجم محذوری مانند موهون شدن چهره اسلام و تنفّر عمومی نسبت به دین و احکام آن به دنبال داشت به ناچار باید از اجرای آن حکم، مطابق روایات باب ۱۰ از ابواب مقدمات الحدود و مسائل الشیعه خودداری شود...؛ بعید نیست از تعلیل ذیل روایت فهمیده شود در هر موردی اگر اجرای حدّی موجب محذوری شود که بر خلاف مصالح اسلام و مسلمانان است باید متوقّف شود، ولی این به معنای نسخ حکم رجم در شریعت و مرحله قانونگذاری و تشریح حکم نیست، بلکه به معنای به فعلیّت نرسیدن آن حکم در مرحله اجرا به لحاظ شرایط اجتماعی و رعایت مصالح برتر و ترجیح اهمّ بر مهمّ در موارد تراحم بین ملاکات احکام شریعت و احتمال تأثیر شرایط در نرسیدن آن حکم به فعلیّت است» (مجازات های اسلامی و حقوق بشر/۱۵۷). بعضی نیز این مورد را تعمیم داده و ادعا کرده اند که در این زمان، گرچه دشمن حضور فیزیکی ندارد، ولی حضور فرهنگی و اجتماعی گسترده داشته و امکان پناه بردن به دشمن بسیار آسان است. پس در چنین شرایطی نیز مصلحت اجرای حد مخدوش می شود، هر چند چنین مواردی جای تأمل

دارد، چون با این نگرش باید حدود الهی را برای همیشه تعطیل کرد، ولی از شرایط زمانی و مکانی هم نباید غافل شد.

محقق نائینی می نویسد: حفظ بیضه اسلام از مهم ترین واجبات است. حفظ دین بالاترین مصلحت است، در تعریف مصلحت نیز اشاره ای به حفظ دین شده است. حفظ دین در فرهنگ سیاسی اسلام این است که حاکم اسلامی، راهکارهای معقول و منطقی که در موقعیت های خاص اجتماعی قابل پیاده شدن باشد، ارائه کند و قوانین و مقررات لازم را وضع نماید تا در پناه آن، اهداف و احکام اسلامی پیاده بشود و به فرموده امام (ع)، جامعه اسلامی در جهت اعتلای کلمه الله و نابودی کلمه الظالمین گام بردارد. بنابراین، به خوبی روشن می شود که در تزامن مصالح، مصلحت حفظ دین بر مصالح دیگر مقدم است (ر.ک: نائینی/۵).

لذا باید توجه داشت که در صورت تزامن بین این ملاکات، مصلحت حفظ اسلام بر مصالح دیگر برتری دارد. این امر را می توان به عنوان یک قاعده کلی دانست و در کلیه مجازات ها جاری نمود.

به نظر، امروزه در مورد حدود چنان چه به نظر فقیه جامع الشرایط، اجرای حکمی در جامعه به دلیل عدم آمادگی فکری عموم مردم موجب سستی در اعتقاد و اصل اسلام شود، در این صورت حفظ اسلام اهم است و اجرای حکم باید تا استحکام عقاید مسکوت بماند. مضافاً این که قاعده «تدرأ الحدود بالشبهات»، درباره این مسأله جاری است و شبهه در یک شرط از شرایط تحقق جرم و گناه، و همچنین شبهه مصلحت اجرای حدود متوقف می شود.

نتیجه گیری

۱- از جمع بندی روایات، نتیجه گیری می شود که پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) اهتمام ویژه ای به اقامه حدود داشته و تأخیر در اجرای آن را جایز نمی دانستند. با وجود این تأکیدات، در قضاوت های پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) مواردی

دیده می شود که به دلایلی حدود را اجرا نکرده اند، یا اقامه آن را موقتاً به تأخیر انداخته، یا مجرم را مورد عفو قرار داده اند.

۲- مقتضیات زمان و مکان به صورت مستقیم بر موضوعات و مصادیق احکام شرعی تأثیر گذاشته، و موجب تبدیل یک حکم شرعی به حکم شرعی دیگر می شود، و به صورت غیر مستقیم و به واسطه فقیه- اعم از مفتی یا حاکم - بر خود احکام تأثیر می گذارد.

۳- چنان چه به نظر فقیه جامع الشرایط، اجرای حکمی در جامعه به دلیل عدم آمادگی فکری عموم مردم موجب سستی در اعتقاد و اصل اسلام شود در این صورت، حفظ اسلام اهم است و اجرای حکم باید تا استحکام عقاید مسکوت بماند. مضافاً این که قاعده «تدرأ الحدود بالشبهات» درباره این مسأله جاری است، گرچه فقها مفاد قاعده را در شبهات موضوعیه دانسته اند ولی بنا بر تسلّم و قبول این قاعده که متّخذ از عین روایت است، شبهه، اطلاق داشته و شامل شبهه حکمیّه نیز می شود، یعنی اجرای حکم در شرایطی که عدالت اجتماعی به طور کامل اجرا نمی شود، محلّ شبهه است. بر - اساس مباحث و شواهد ارائه شده می توان گفت در صورتی که اجرای کیفر به مصلحت نباشد حاکم اسلامی می تواند از اجرای آن با تمسّک به قاعده «درأ» جلوگیری نماید. این امر را می توان به عنوان یک قاعده کلی دانست و در کلیه مجازات ها جاری نمود. یعنی در شرایط خاصّ زمانی و مکانی در سیره معصومین اجرای حدّ مصلحت نداشته، یا در تراحم با مصلحت مهمّ دیگری بوده است. اما اگر زمینه ارتکاب جرم در جامعه فراوان باشد و برای رفع آن اقدامی صورت نگیرد، اجرای حدّ نه تنها مصلحتی ندارد بلکه شاید از موارد شبهه هم باشد، چراکه وجود مصلحت در چنین فرضی قابل تردید می باشد و به نصّ حدیث نبوی در موارد شبهه، حدّ جاری نمی گردد.

منابع

- قرآن کریم

- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، **المغنی**، ج ۸، بیروت، دارالکتاب العربی، بی تا.
- ابن قیم الجوزیه، **اعلام الموقعین**، ج ۳۰، مصر، مطبعه السعاده، ۱۳۷۴.
- اردبیلی، مولی احمد (مقدّس)، **مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان**، ج ۱۳، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- بیهقی، احمد بن حسین، **السنن الكبرى**، ج ۸ و ۹، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- تبریزی، جواد، **أسس الحدود و التعزیرات**، قم، مهر، ۱۴۱۷ق.
- جعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، **الروضه البهیة فی شرح اللّمعه الدمشقیه**، ج ۲، چ ۲، قم، مکتب نوید اسلام، ۱۳۸۲.
- _____، **مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، ج ۲، قم، انتشارات بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۵ق.
- جمعی از نویسندگان، **نامه مفید**، شماره ۲۳، دانشگاه مفید، پائیز ۱۳۷۹.
- حسینی شیرازی، سید محمد، **الفقه**، ج ۸۷، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۰۹ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، تهران، کتابفروشی اسلامیّه، ۱۴۰۳ق.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (علّامه)، **تحریر الأحكام الشرعیّه علی مذهب الامامیه**، مشهد، مؤسسه آل البيت، بی تا.
- رضائی، احمد و دیگران، **مجموعه آرای فقهی - قضایی**، قم، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۷۸.
- الزحیلی، وهبه، **الفقه الاسلامی و أدلّته**، ج ۶، دمشق، دار الفکر، ۱۴۰۵ق.
- سید حسینی، سید صادق، **«ولایت فقیه و پویایی در استنباط احکام»**، مجموعه آثار کنگره مبانی فقهی امام خمینی قدّس سره، ج ۵، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، **الأحكام الشرعیّه ثابتة لا تتغیّر**، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ق.
- طباطبائی، سید علی، **ریاض المسائل فی بیان الأحكام بالدلائل**، ج ۱۳، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ الطائفه)، **الخلاف**، ج ۳، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.

- _____ تهذیب الاحکام، ج ۱۰، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- کریمی جهرمی، علی، **الدر المنضود فی احکام الحدود**، تقریرات درس آیه الله العظمی گلپایگانی، ج ۱، قم، دار القرآن کریم، ۱۴۱۲ق.
- معرفت، محمدهادی، **ولایت فقیه**، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، **أنوار الفقاهه**، کتاب الحدود و التعزیرات، ج ۱، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۱۸ق.
- مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (شهید اول)، **القواعد و الفوائد**، تحقیق سید عبدالهادی حکیم، ج ۱، قم، مکتبه المفید، بی تا.
- _____، **اللمعه الدمشقیه**، بیروت، دار العالم الاسلامی، بی تا.
- منتظری، حسینعلی، **مجازات های اسلامی و حقوق بشر**، قم، ارغوان دانش، ۱۳۸۷.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (امام)، **صحیفه نور**، ج ۲۱، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
- نجفی، محمدحسن (صاحب جواهر)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ج ۴۱، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۸.
- نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، ج ۱۸، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.